

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۱۴ فبروری ۲۰۱۷

تنظیم و ویرایش: پورتال

سروده

رودبار چشمانم برای شست و شوی وادی خون رفته است و ساقه خشک سروده های حزینم
در فصل تشنگی ثمر نمی دهد.

معراج ذهن

امشب به معراج ذهنم پرگشودم و از آن فاصله دور تمام دنیا را چون کُتله سرخ خون،
درون تنور آتشین غفلت دیدم.

آه! به اعتماد کدام دستان پر حرارت عشق، دستان نیازمندم را بسپارم؟

قلاب

آه! چه هراس انگیز است زمانی، که ماهیان کوچک بی گناه را قلاب بُرنده دندانهای
نهنگی محکم می گیرد.

حس داغ طلب

دیشب جمعیتی را به خواب دیدم، زانو بر زمین زده و به درگاه بی نیاز نماز می گزاردند.
از چشمان شان خون می تراوید، از قلوب شان شراره های درد و از دستان خالی شان حس
داغ طلب. تمام شب در انتظار پاسخی بودم. گفتند خدا می آید، خدا بزرگ است. انتظار،
انتظار خدا آن قدر بزرگ بود، که در سرزمین کوچک ما گامهایش برابری نکرد!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده)